



ISSN:2588-3291



Asr- e Adineh
Q U A R T E R L Y

eleventh year ,no 28
Winter 2018 (1397)

Analytical study of the aesthetic features and aspects of the works of Hossein Dastkhosh Hamedani, a coffee house painter

Dr. Seyed Reza Hoseini ¹
Karim Zarei ²

Abstract

The coffee house painting was created in the late Qajar period and constitutional movement with martial, feminist, and religious backgrounds by uneducated artists in coffee houses. One of the school's artists is "Hossein Dastkhosh Hamedani" who, in addition to coffee house painting with epic and religious themes, has been working on a variety of fields, including the Dervesh curtains, and has become one of the leading figures. The present study, along with a review of the artistic activity and introduction of the artist, has explained aesthetic aspects, composition, form and color in the works of noted artist. The main questions of the research are: 1. What is the aesthetic aspects of the artwork of a coffee house painting by Hossein Dastkhosh Hamedani? 2. What is the difference between the artist's works and other painters in the coffee house? This research is conducted in a descriptive-analytical method and with a comparative study. To collect required information, library and field documentation methods are used by observing works, interviews and taking photographs of the original paintings. The results of the research show that the different experiences of the artist in other areas of painting have had a positive effect on improving the quality, visual, technical and content of the coffee house painting, and the artist's greatest influence has been from the working style of deceased "Modabar". One of the aesthetic aspects of the artist's works is to focus on architecture and decorations, and to take into account the principle of beauty in the creation of works, by avoiding bloodshed and introducing personal intentions and feelings in polishing portraits. Also, of the distinct features of his works is to create a balance between imagination and realism and to avoid mistakes

Keywords

Coffee House Painting, Hossein Dastkhosh Hamedani, Epic and Religious Topics, Dervesh Curtains, Aesthetic Aspects

1. Assistant Professor, Faculty of Arts, Shahed University, Tehran, Iran(Corresponding author)
(rz.hosseini@shahed.ac.ir)
2. Department of Graphic design, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran(k.zarei@basu.ac.ir)

مطالعه تحلیلی ویژگی و وجوه زیبایی شناختی آثار حسین دستخوش همدانی (نقاش مکتب قهوه خانه‌ای)*

سیدرضا حسینی^۱

کریم زارعی^۲

چکیده

نقاشی قهوه‌خانه‌ای در اواخر دوره قاجاریه و جنبش مشروطیت با درون‌مایه رزمی، بزمی و مذهبی، به دست هنرمندانی مکتب ندیده در قهوه‌خانه‌ها شکل گرفت. یکی از هنرمندان این مکتب «حسین دستخوش همدانی» است که علاوه بر نقاشی قهوه‌خانه‌ای با موضوعات حماسی و مذهبی، در زمینه‌های مختلفی نیز نظیر پرده‌رویشی به خلق اثر پرداخته و به عنوان یکی از سرآمدان آن در این حوزه بدل شده است. هدف از این پژوهش بررسی سیر فعالیت هنری، معرفی هنرمند و تبیین وجوه زیبایی شناختی، ترکیب، فرم و رنگ در آثار حسین دستخوش همدانی می‌باشد. سؤالات اصلی پژوهش عبارتند از: ۱. ویژگی و وجوه زیبایی شناختی آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای حسین دستخوش همدانی چیست؟ ۲. وجوه افتراق آثار این هنرمند با سایر نقاشان مکتب قهوه‌خانه‌ای کدامند؟ این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی با مطالعه تطبیقی انجام شده و برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از روش اسنادی کتابخانه‌ای و میدانی با مشاهده آثار، مصاحبه و عکاسی از اصل تابلوها استفاده گردیده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که تجربیات متفاوت هنرمند در حوزه‌های دیگر نقاشی، در ارتقای سطح کیفی، بصری، تکنیکی و محتوایی آثار نقاشی مکتب قهوه‌خانه‌ای وی تأثیری مثبت داشته و بیشترین تأثیر هنرمند از سبک کاری مرحوم مدبر بوده است. از وجوه زیبایی شناختی آثار وی نیز توجه به معماری و تزیینات آن و در نظر گرفتن اصل زیبایی در خلق آثار، با پرهیز از خونریزی و وارد نمودن اغراض و احساسات شخصی در پرداخت چهره‌ها است. هم‌چنین از وجوه تمایز آثار دستخوش نیز ایجاد نوعی تعادل میان

* تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۷

۱. استادیار گروه نقاشی دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (r.z.hosseini@shahed.ac.ir).

۲. عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران (k.zarei@basu.ac.ir).

خیالی سازی و واقعیت سازی و پرهیز از غلط سازی است.

واژگان کلیدی

نقاشی قهوه‌خانه‌ای، حسین دستخوش همدانی، موضوعات حماسی و مذهبی، پرده درویشی، وجوه زیبایی شناختی.

مقدمه

در تمامی ادیان با نوعی هنر دینی، سنتی و حتی مقدس مواجهیم که در آن هنرمندان دینی توسط هنر به بیان عقاید و ترسیم اعمال دینی می‌پردازند؛ نقاشی قهوه‌خانه‌ای نیز به عنوان هنری در خدمت تفکر شیعی حامل مؤلفه‌هایی شامل استفاده از وقایع تاریخی، احادیث، و اسامی مربوط به ائمه اطهار است. هنرمندان مکتب نقاشی قهوه‌خانه، از طریق نمادها و نشانه‌های شیعی، تفکر شیعی را به منصفه ظهور رساندند. این مکتب، نوعی نقاشی روایی با مضامین رزمی، مذهبی و بزمی است که به طور خاص در دوران جنبش مشروطیت، بر اساس سنت‌های هنر مردمی و دینی، به ضرورت نیاز و درخواست مردم و به پاس احترام به باورهای آنان، به دست هنرمندانی مکتب ندیده پدیدار شد. خاستگاه و زمینه‌ساز این هنر نقاشی، سنت کهن قصه‌خوانی و مرثیه‌سرایی و تعزیه‌خوانی در ایران بوده است و پیشینه‌اش به قرن‌ها پیش از پدید آمدن قهوه‌خانه‌ها می‌رسد. آنچه مسجل است آن‌که در دوران قاجار، شرایطی برای رشد و بالندگی این هنر مردمی به وجود می‌آید و چند تن از افراد نام‌آشنا به هنر نقاشی روی کاشی و قلمدان و...، به اوج و شکوفایی هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ای کمک شایانی می‌نمایند و بدین‌گونه تابلوهایی آفریده می‌شود که می‌توانست به سفارش قهوه‌خانه‌چی، زورخانه‌دار و یا یک فرد عامی از میان جامعه باشد.

از سویی بر اساس ویژگی‌های تبیین شده از سویی برخی پژوهشگران، می‌توان گفت که مجموعه آثار هنرمندان مکتب نقاشی قهوه‌خانه در نهایت منتج به هنری حامل بنیان‌های فکری مهدویت و هنر دوران انتظار است. چنان‌که رضی گیلانی (۱۳۹۳) در سه ساحت از زندگی هنرمندان مسلمان یعنی تجربه هنر، سفارش هنری و هنر در تمدن و فرهنگ اسلامی به بررسی وضعیت و موقعیت مهدویت پرداخته و ارزش مهدویت را در تجربه مهدویت در زندگی هنرمند مورد بررسی و کاوش قرار داده است. وی میان آثار فاخر حامل اندیشه مهدوی در عرصه هنر و سبک و زندگی اسلامی ارتباطی تنگاتنگ را

برشمرده است. به گونه‌ای که، اگر میان روح و تجربه هنری هنرمند با معرفت وی به موقعیت و منزلت مهدویت در فرهنگ اسلامی به ویژه معرفت‌شناسی اسلامی و عرفان شیعی گره زده شود و هنرمند مسلمان جایگاه مهدویت را در منظومه فکری اسلام و مسلمانان و در چهارچوب و متن دین تشخیص دهد، معطوف به آن خواهد شد و می‌کوشد مسئله امام معصوم را در تجربه های عرفانی و هنری خود دخالت دهد. از این حیث روشن است که هنرمندان مکتب نقاشی قهوه‌خانه در این مسیر گام برداشته‌اند. از این حیث حسین دستخوش همدانی هنرمندی است که جهان بینی، سبک زندگی و تجربه هنری وی در رویکردی خطی و سلسله مراتبی، حامل این اندیشه است. وی در زمره هنرمندانی است که پس از شکل گرفتن این سبک هنری، رویه‌ای را در پیش گرفتند که خارج از حوزه رسمی هنر فعالیت کرده و به همین جهت چندان مورد توجه و حمایت قرار نگرفته و بعضی از هنرمندان آن مهجور واقع شدند. «حسین دستخوش همدانی» که از نقاشان صاحب سبک این حوزه و از پیشکسوتان نقاشی قهوه‌خانه‌ای به شمار می‌رود، آثار متعددی را خلق کرده که جزو آثار فاخر این سبک هنری محسوب می‌شود. متأسفانه تعداد بیشتر آثار وی به چاپ نرسیده و در مورد زندگی وی نیز تاکنون پژوهشی خاص صورت نگرفته است. هدف از این پژوهش بررسی سیر فعالیت هنری، معرفی هنرمند و تبیین وجوه زیبایی‌شناختی، ترکیب، فرم و رنگ در آثار حسین دستخوش همدانی می‌باشد. سؤالات اصلی پژوهش عبارتند از: ۱. ویژگی و وجوه زیبایی‌شناختی آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای حسین دستخوش همدانی چیست؟ ۲. تفاوت آثار این هنرمند با سایر نقاشان مکتب قهوه‌خانه‌ای کدامند؟ برای پاسخ به سؤالات مطرح شده، با مروری بر نقاشی قهوه‌خانه‌ای به معرفی هنرمند، دسته‌بندی، تکنیک و ویژگی آثار پرداخته شده است. هم‌چنین تحلیل تطبیقی، دسته‌بندی، تأثیرات تکنیکی سایر نقاشان قهوه‌خانه بر آثار وی و بررسی مبانی بصری یک اثر در قالب جدول ارائه شده است.

روش تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی با مطالعه تطبیقی انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از روش اسنادی کتابخانه‌ای و میدانی با مشاهده آثار، مصاحبه و عکاسی از اصل تابلوها استفاده شده و به واسطه معاصر بودن مسئله با ابزار

شناسه‌ها و تجهیزات پوششگری رایانه‌ای گرد آمده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه آثار حسین دستخوش همدانی و روش نمونه‌گیری انتخابی تعریف شده و به شکل تطبیقی با دیگر آثار نقاشان این مکتب براساس منابع پایه‌ای، مورد استدلال و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

لازم به ذکر است که به دلیل نبودن منابع مکتوب درباره این هنرمند، بخش‌هایی از اطلاعات و داده‌های مورد نیاز معرفی و مبانی نظری پژوهش، از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران و بستگان هنرمند تهیه شده است.

پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه پژوهش حاضر می‌توان که در راستای انجام کار از آنان بهره گرفته شده است به این موارد می‌توان اشاره کرد.

رجبی و چلیپا (۱۳۸۵) در کتاب حسن اسماعیل زاده نقاش مکتب قهوه‌خانه‌ای، به آثار و احوال حسن اسماعیل زاده از نقاشان این مکتب پرداخته است. سیف (۱۳۶۹) نیز در کتاب *نقاشی قهوه‌خانه‌ای*، شکل‌گیری و آثار نقاشان قهوه‌خانه‌ای را مورد مطالعه قرار داده است. گودرزی (۱۳۸۰) در کتاب *جست‌وجوی هویت در نقاشی معاصر ایران* و پاکباز (۱۳۸۳) در کتاب *نقاشی ایران از دیروز تا امروز*، نیز مطالبی را در خصوص سبک نقاشی قهوه‌خانه‌ای نگاشته‌اند. در مقاله «حدیث ساده نقاشی و نقاشی قهوه‌خانه‌ای مردان خیالی نگار»، (مهاجر، ۱۳۸۷، فصل‌نامه هنرهای تجسمی، شماره ۵) و نیز در مقاله «نقاشی قهوه‌خانه در گذر تاریخ»، (کرباسی باف، ۱۳۸۹، نشریه علوم انسانی پویا، شماره ۱۹) به پیشینه، شکل‌گیری و ویژگی‌های این مکتب هنری پرداخته‌اند. در مقاله «پرده‌های درویشی: هنر پرده‌خوانی و نقاشی پرده‌های درویشی» (ناصریخت، ۱۳۷۷، فصل‌نامه هنرهای تجسمی، شماره ۳۵) نویسنده در خصوص پرده‌های درویشی و ویژگی‌های آن نیز مطالب مفیدی عنوان شده است.

مبانی نظری

سبک نقاشی قهوه‌خانه‌ای

نقاشی قهوه‌خانه‌ای نوعی نقاشی روایی رنگ روغنی با مضمون‌های رزمی، مذهبی و

بزمی که در دوران جنبش مشروطیت براساس سنت‌های هنر مردمی و دینی و با اثرپذیری از نقاشی طبیعت‌گرایانه مرسوم آن زمان، به دست هنرمندانی مکتب ندیده پدید آمد (پاکباز، ۱۳۷۸: ۵۸۶). این سبک نقاشی دارای ویژگی‌هایی کاملاً ایرانی است و مستقیماً از ذهن نقاش، بدون استفاده از مضامین خارجی و با تکنیک خاص خود که عدم پرداخت دقیق به آناتومی و پرسپکتیواست، مایه می‌گیرد. از آن جایی که این نوع نقاشی در قهوه‌خانه‌ها به دید عموم درمی‌آمده و همان‌جا سفارش داده می‌شده است و در عین حال در همان مکان تصویر می‌شده و در نهایت نقاشان آن با گروه‌های شان از این قهوه‌خانه به آن قهوه‌خانه و حسینیه کوچ می‌کردند؛ این نام بر پیشانی این هنرمندان جای گرفته است (چلیپا ورجبی، ۱۳۸۵: ۱۰). البته برخی نیز نام‌های دیگری چون «نقاشی خیالی» یا «خیالی‌نگاری» و یا «غلط‌سازی» را بر این مکتب نهاده‌اند. چراکه اساس کار نقاشان این گرایش، نقاشی کردن به صورت خیالی است و یا چنان‌که حسین قوللر آقاسی گفته بود:

وقتی که غلط‌سازی منظور را بهتر می‌رساند چه بهتر که غلط‌سازی کنیم و یا... غلط‌سازی اساس خیالی‌نگاری است و نقاش خیالی ساز تا آن‌جا که می‌تواند باید از واقع‌گرایی به دور باشد (خان سالار، ۱۳۸۶: ۵۹).

با این همه عناوین خیالی‌نگاری یا غلط‌سازی، عناوینی جاافتاده برای این نوع نقاشی به نظر نمی‌رسد. به همین خاطر، عموماً از آن با همان عنوان نقاشی قهوه‌خانه‌ای نام می‌برند. بنیانگذاران این سبک نقاشی سنتی، حسین قوللر آقاسی و محمد مدبر می‌باشند که پس از ایشان، شاگردان آنها این نهضت هنری را دنبال می‌کنند. از این میان، حسین دستخوش همدانی از نقاشان این سبک هنری است که علاوه بر نقاشی قهوه‌خانه‌ای که به موضوعات حماسی و مذهبی پرداخته، در زمینه‌های مختلفی نظیر ترسیم پرده درویشی نیز فعالیت داشته و به عنوان یکی از سرآمدان آن در این حوزه بدل شده است (سیف، مصاحبه: ۸ تیر ۱۳۹۵).

شناخت‌نامه حسین دستخوش همدانی

حسین دستخوش همدانی به سال ۱۳۰۵ در همدان دیده به جهان گشود. پدرش «علی نظر (علی الوندی همدانی)» از نقاشان سنتی کار به نام روزگار خود بوده که علاوه بر

شغل قلمدان سازی و نقاشی روی آن، به کار نقاشی بر روی شیشه و آینه می‌پرداخته و به طلاکوبی قرآن نیز مشغول بوده است. هم‌چنین نقاشی‌هایی با موضوعات کاملاً مذهبی مانند شمایل ائمه اطهار، قمر بنی‌هاشم، دو طفلان مسلم و غیره نیز خلق می‌نموده است. او در کودکی مدت کوتاهی را به مکتب‌خانه می‌رود و قبل از آن‌که به‌طور کامل خواندن و نوشتن بیاموزد مکتب‌خانه را ترک کرده و به همکاری با پدر نقاش خود می‌پردازد (دستخوش، مصاحبه: ۲ اردیبهشت ۱۳۹۴). پدرش که از دوستان نزدیک استادان نامی چون «حسین قوللر آغاسی» و «محمد مدبر» بود وی را به آنها معرفی می‌کند و چندین سال شاگرد این اساتید بوده و تمامی فوت و فن این کار را از این استادان فرا می‌گیرد. او خود بیان می‌کند، در مدتی که نزد این اساتید به نقاشی مشغول بوده، همه نوع موضوعات نقاشی قهوه‌خانه‌ای شامل حماسی، شاهنامه‌ای، تاریخی، مذهبی و پرده درویشی را به اتفاق این اساتید ترسیم کرده است. وی علاوه بر «حسین قوللر آغاسی» و «محمد مدبر»، تقریباً با همه نقاشان این حوزه در ارتباط بوده است. از جمله: «عباس بلوکی فر»، «حسن اسماعیل زاده»، «فتح‌الله قوللر آغاسی»، «احمد خلیلی»، «محمد فراهانی»، «محمد حمیدی» و «علی لرنی» (سیف، مصاحبه: ۸ تیر ۱۳۹۵).



تصویر ۱. عکس جمعی نقاشان قهوه‌خانه‌ای (از چپ به راست: محمد فراهانی، حسن اسماعیل زاده، علی لرنی، عباس بلوکی فر، احمد خلیلی، حسین دستخوش همدانی، فتح‌الله قوللر آغاسی)؛ مأخذ: مجموعه جواد عقیلی.

دستخوش مدتی را نیز در شهر مشهد ساکن می‌شود و بنا به سفارش، آثار هنری و پرده‌های درویشی زیادی خلق می‌کند. مدتی بعد دچار عارضه سکته شده و سمت راست بدنش از کار می‌افتد و پس از مدتی مدید، توسط همسر، خانواده، دوستان و اطرافیان، تشویق و ترغیب به نقاشی با دست چپ می‌شود. او در اثر ممارست‌های بسیار، به حدی مسلط می‌شود که اگر کسی از این موضوع اطلاع نداشت متوجه تفاوت کار دو دست نمی‌شد و با همین مشکل توانایی حرکتی، تابلوهایی را می‌آفریند که در نوع خود کم‌نظیر بودند [...] تا جایی که امروزه بعضی از آنها دیوار موزه‌ها و گنجینه‌ها را آراسته‌اند. این استاد بزرگ نقاشی پس از تحمل سال‌ها سختی سرانجام در آبان ماه ۱۳۸۴ به دیار باقی شتافت (دستخوش، مصاحبه: ۲ اردیبهشت ۱۳۹۴).

جدول شماره (۱): تحلیل تطبیقی دو اثر قبل و بعد از عارضه جسمی هنرمند با یک موضوع

		<p>در تحلیل تطبیقی این دو اثر کاملاً مشخص است که طراحی‌ها در اثر درویشی قوی‌تر، ساخت و ساز قوی‌تر، لطافت رنگ‌ها بیشتر و تزئینات در جزئیات اثر به مراتب بهتر از قبل صورت گرفته. جسارت نقاش در تعداد بالای فیگورها نشان از تلاش وی برای بازگرداندن توان از دست رفته است.</p>
<p>تصویر (۲) پرده درویشی ۳۶ × ۲۰۰ تاریخ ۱۳۵۰ بنیاد ایران شناسی نقاشی اثر بعد از دچار شدن به عارضه جسمی و ناتوانی سمت راست بدن که با دست چپ ترسیم شده</p>	<p>تصویر (۱) پرده درویشی ۳۲ × ۱۸۰ تاریخ ۱۳۲۹، بنیاد ایران شناسی نقاشی اثر قبل از دچار شدن به عارضه جسمی</p>	

منبع: نگارندگان

دسته بندی آثار

بیشترین موضوعات آثار دستخوش رزمی بوده که داستان‌های شاهنامه را در برمی‌گیرد. پس از آن موضوعات مذهبی، روایت عاشورا و زندگی ائمه، بیشترین توجه را در نقاشی‌های وی به خود معطوف کرده است. در نهایت، موضوعات مجالس بزم، منظره و گل و بوته‌های بسیار ظریف مجموعه آثار وی را تشکیل می‌دهد. هم‌چنین دستخوش در نقاشی پرده‌های درویشی دارای تسلطی خاص بود که آثار وی را از دیگران متمایز می‌سازد. باید اشاره کرد که ترسیم پرده درویشی چنان‌که از ویژگی‌های آن برمی‌آید نیازمند نقاشانی است که علاوه بر مهارت در نقاشی خود، سال‌ها در کنار پرده‌خوانان چیره-

دست، قصه‌های پرده را شنیده و دقایق و ظرایف مربوط به این هنرمردمی را نیک بدانند. وقایع اصلی را بشناسند و با قصه‌های فرعی آشنا باشند، شگردهای پرده‌خوان را در نقل مجلس و نحوه گریزهایش را بشناسند، با فرهنگ عوام آشنایی فراوانی داشته باشند؛ روایات اخلاقی و مذهبی را به خوبی بدانند و روحیات مخاطبان را شناخته و در نظر داشته باشند. چرا که آثار آنان جنبه تزئینی نداشته بلکه خود اساس و پایه هنری دیگر می‌گردد. بی‌شک به دلیل آشنایی مخاطبان با روایات و وقایع هیچ خطایی از نگاه منتقدانه شان دور نخواهد ماند. در این پرده‌ها نقاش قصه‌گو حوادث را به صورت اپیزودیک^۱ و چون دانه‌های زنجیر در کنار هم می‌نشانند و شخصیت اصلی حادثه را در موقعیت‌های گوناگون نشان می‌دهد (ناصر بخت، ۱۳۷۷: ۱۰۸).

دستخوش در مشهد، پرده‌های درویشی‌ای که نقالان در پای آن نقالی می‌کردند را می‌بیند، روایت‌های نقالان را می‌شنود و براین اساس آثاری جدید را خلق می‌کند و در نهایت، به یکی از سرآمدان نقاشان پرده‌های درویشی^۲ تبدیل می‌شود. پرده‌های درویشی را در اویش و نقالان سفارش می‌دادند و برای دوره‌گردی در مراسم مذهبی در روستاها و تکایا و تعزیه‌ها استفاده می‌کردند. در مشهد نیز وجود فضای مذهبی شهر برای مراسم تعزیه و نقالی در تکیه‌ها، پرده‌های درویشی سفارش زیادی داشت که دستخوش توانست تعداد زیادی پرده را در این رابطه کار کند و به حدی در این کار به استادی تمام رسید که پرده‌های درویشی بی‌نظیری را می‌آفریند و نام خود را در این حرفه ماندگار می‌کند. البته به جهت این‌که قطع پرده‌ها بزرگ و بسیار پرکار بود، لذا نیاز به حوصله زیادی در خلق اثر داشت.

جدول شماره (۲) دسته‌بندی آثار حسین دستخوش همدانی در حوزه‌های مختلف

1. Episodic

۲. پرده پارچه‌ای است که روی آن داستان‌هایی از ماجرای زندگی خاندان پیامبر ﷺ و داستان‌های مذهبی نقاشی می‌شود سپس نقال، پرده را لوله و با خود حمل می‌کند. و درجایی که مناسب می‌بیند، پس از خواندن چند بیت شعر و گرد آوردن مردم به دور خود، پرده را کم‌کم باز می‌کند و همزمان با بازکردن پرده به شرح بخش‌هایی از داستان‌های نقش شده بر پرده می‌پردازد.

نمونه آثار	مشخصات اثر	ردیف	نمونه آثار	مشخصات اثر	ردیف
	نقاشی و تزئینات روی میز و مبل و صندلی: نقاشی روی میز ۵۵×۴۵ منزل توران دستخوش / ۱۳۶۷	۶		از موضوعات رزمی نقاشی قهوه خانه‌ای : کشته شدن هومان به دست بیژن ۹۰×۶۰ مجموعه شخصی نصراله بختیاری / ۱۳۶۹	۱
	نقاشی با تکنیک کپی‌کاری ها کپی فالگیر بغدادی ۷۰×۵۰ منزل دستخوش / ۱۳۷۰	۷		از موضوعات مذهبی نقاشی قهوه خانه‌ای جنگ خیبر موزه رضا عباسی / ۱۳۷۴	۲
	تک شمایل-ها شمایل حضرت علی (ع) رنگ روغن روی بوم ۷۰×۵۰ منزل محمد دستخوش / ۱۳۷۰	۸		از موضوعات رزمی نقاشی قهوه خانه‌ای میهمانی و بارگاه شاه عباس از سلطان باور هندی، گالری جواد عقیلی / ۱۳۵۲	۳

	<p>نقاشی پشت: شیشه ۶۰× ۲۰ منزل عباس دستخوش / ۱۳۶۱</p>	<p>۹</p>		<p>پرده‌های درویشی ۲۰۰×۳۶۰ بنیاد ایران شناس ی / ۱۳۵۰</p>	<p>۴</p>
	<p>نقاشی از طبیعت بیجان: ۷۰×۱۰۰ مجموعه محمد دستخوش / ۱۳۷۲</p>	<p>۱۰</p>		<p>نقاشی ساختمان (برای تزئینات داخل ساختمان‌ها و هتل‌ها)</p>	<p>۵</p>

منبع: نگارندگان

از این رووی نیز اکثراً بنا بر سفارش، پرده درویشی می‌کشید. درآمد دستخوش از راه نقاشی تأمین می‌شد؛ به همین جهت چند سالی که در مشهد ساکن بود، انواع سفارش‌هایی که در زمینه نقاشی به وی می‌سپردند را انجام می‌داد. برای نمونه داخل هتل‌های اطراف حرم امام رضا علیه السلام برای آراستگی و زیباتر کردن، تزئینات نقاشی آن به ایشان سپرده شد و او گل و بوته‌های زیادی را در این رابطه به نقش کشید و به همین جهت مردمی هم که در آن جا وی را می‌شناختند، ارادت خاصی به او پیدا کرده بودند. هم چنین سفارش‌هایی با موضوعاتی نظیر «جنگ خیبر»، «جنگ چالدران»، «مجلس زلیخا» و... از جمله کارهایی بود که در این شهر همه را به نام خود ماندگار کرد.

به مرور، زمانی پیش آمد که استقبال کمی از نقاشی قهوه‌خانه‌ای می‌شد. این بی‌رونقی باعث شد که دستخوش برای امرار معاش خود نقاشی قهوه‌خانه‌ای را مدتی کنار بگذارد و به کار نقاشی ساختمان روی آورد. بخشی از این کار بدین شکل بود که در خانه‌ها خصوصاً اتاق‌های پذیرایی نقاشی‌هایی از طبیعت دورنما و تشعشع آفتاب از پشت ابرهای طلایی، آسمان لاجورد، چشمه‌های آب جوشان، پرنده‌های بهشتی مثل طاووس و غیره به صورت ذهنی و تخیلی کار می‌شد. بخشی دیگر از کار نقاشی ساختمان

لندنی سازی^۱ بود که عبارت بود از درست کردن گل و بوته و برگ‌های گچبری‌های فرعی و ترنج‌های خرد و کلان با نقوش برجسته گل و گیاه به شکلی موزون با زیبایی دلنشین و روح‌نواز که در کارهای دستخوش دیده می‌شد. وی به جز کارهای قهوه‌خانه‌ای، در ساختن تزئینات و نقوش دیوارهای بخاری و ستون‌های بند اسلیمی نیز از معرفیت خاصی برخوردار بوده است. دستخوش مدتی نیز وارد کار در زمینه نقاشی روی میز و صندلی و مبل که روی آنها نقاشی‌های بند اسلیمی طلایی و تزئینات گل و مرغ انجام می‌دادند شده بود و در این شیوه نیز بسیار زبردست و از تخصص ویژه‌ای برخوردار شده و کارهایی زیبا و چشم‌نوازی انجام داد. در این خصوص تعدادی از کارها، مبل‌ها و تخت خواب‌های کاخ سلطنتی بود که از طرف دربار پهلوی به وی سفارش داده شده بود (تصویر ۶ جدول شماره ۲). حتی نقاشی‌های کپی که از نقاشان ایرانی و اروپایی انجام داده، نشان می‌دهد که دستخوش توانایی نقاشی کلاسیک هم داشته است. چنان‌که وی قبل از آن‌که نقاش قهوه‌خانه‌ای باشد اصول و قواعد آن را بیاموزد، یک نقاش خوب کلاسیک بوده است (دستخوش، مصاحبه: ۵ مرداد ۱۳۹۴). از این روزمانی که دستخوش به این روش نقاشی علاقه‌مند می‌شود با تلاش خود این تکنیک را آموخته و تجربیات تکنیکی آن را در نقاشی قهوه‌خانه‌ای به کار می‌گیرد.

علاوه بر این، طبیعت بیجان و خلق آثاری به سبک رئالیستی (واقع‌نمایی) موضوع دیگری بود که دستخوش در نقاشی به آن علاقه نشان داد و باعث شد که تکنیک آن سبک بر روی آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای وی تأثیراتی بگذارد. (تصویر ۱۰ جدول شماره ۲). دستخوش در سفری رهسپار کربلای معلی می‌شود و در آن‌جا سفارش‌های متعدد نقاشی به او می‌شود. هم‌چنین در حرم امام حسین علیه السلام نیز تزئینات گل و برگ و... انجام می‌دهد. در کاظمین و نجف اشرف نیز به همین صورت بردیوار و سقف‌های حرم‌های شریف تزئینات نقاشی را به تصویر کشید و افزون بر این چند تابلو نقاشی و پرده درویشی برای درویش نیز در آن‌جا نقاشی می‌کند. مثلاً پرده بسیار بزرگ زندگانی حضرت مسلم بن عقیل را به سبک نقاشی قهوه‌خانه‌ای اجرا نمود که به دلیل قطع بسیار بزرگ آن، برای کار

۱. گل‌لندنی به گل‌هایی اطلاق می‌شود که از هنر غرب وارد نقاشی ایرانی شد که در سینه‌کش گچ‌کاری بخاری‌ها انجام می‌دادند.

کردن بر روی آن داربست نصب شده بود.

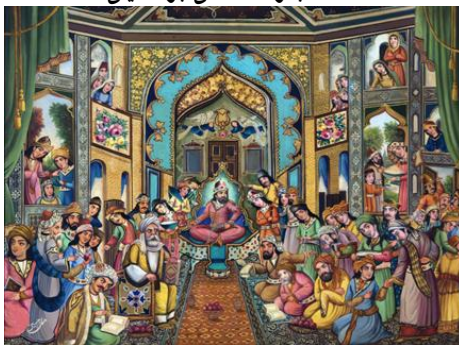
تکنیک و ویژگی‌های آثار

شیوه نقاشی دستخوش هم چون اساتید نقاشی قهوه‌خانه‌ای دیگر، شیوه‌ای کاملاً سنتی و تجربی بود. به همین جهت تجربیات دستخوش فقط در زمینه نقاشی نبود بلکه در ساخت وسایل نقاشی و در نتیجه مرارت فراوان به تجربیات ارزنده‌ای دست یافته بود. وی خود رنگ‌های مورد نیاز را تهیه می‌کرد و تا قبل از این که استفاده رنگ‌های لوله‌ای رواج پیدا کرده و از آنها استفاده کند، در ساخت رنگ‌های طبیعی و دست‌ساز نیز متبحر بود. به عنوان مثال رنگ را از سرنج دوده، گل ماشی، اخرا، لاجورد، انار، پوست گردو و سایر پودرهای معدنی و گیاهی، با روغن بزرک می‌سایید و استفاده می‌کرد. روش کار دستخوش بدین صورت بود که سریشم حیوانی را در آب حل و رقیق کرده و مقداری شیره انگور و کمی هم مل به آن اضافه می‌کرد و می‌جوشاند. سپس آن را صاف کرده روی پارچه متقال یا کرباسی که به چهارچوب نصب شده بود، دوالی سه لایه آهار می‌زد و روی بوم می‌کشید که درزها کاملاً گرفته شود و اصطلاحاً چشم‌های پارچه بسته شده و دوام پارچه در طول سالیان حفظ شود. سپس دولایه رنگ روغن سفید روی بوم زده و پس از خشک شدن با سنباده یا تیغ روی آستر می‌کشید تا سطح بوم صاف و یکدست شود و پرزها و ناخالصی‌های پارچه گرفته شود. این کار باعث می‌شد که بتوان پرداخت‌های لطیفی روی کار ایجاد کرده و آن را آماده نقاشی ساخت. سپس براساس موضوع، طرح مورد نظر را با یک زغال یا یک مداد روی بوم طراحی می‌کرد و بعد از آن رنگ‌آمیزی را شروع می‌کرد (سیف، مصاحبه: ۸ تیر ۱۳۹۵)؛ اما در پرده‌های درویشی، دستخوش پرده‌ها را اصطلاحاً نرم تهیه می‌کردند. به این صورت که پس از زیرساخت کار، روغن بزرک و روغن جلا را با کمی نفت، روان کرده و با قلم موروی پارچه که معمولاً کرباس ضخیم و برزنت بود می‌زد. به جهت این که ابعاد این پرده‌ها بسیار بزرگ بود و کلاف و چهارچوب برای استحکام نداشت، دستخوش پشت آنها را نیز روغن و رنگ می‌زد. این کار باعث می‌شد که پرده‌های درویشی نرم بماند (دستخوش، مصاحبه: ۵ مرداد ۱۳۹۴).

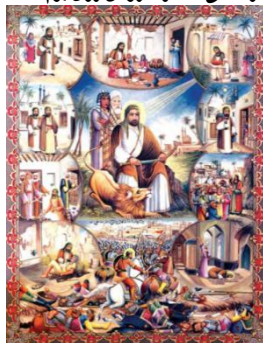
تمام نقاشی‌های دستخوش حاصل اعتقاد و باورهای اوست. او در زمان خلق تابلو در حس و حال و فضای نقاشی قرار می‌گرفت. وی می‌گفت:

هنگامی که در شمایل‌ها و ترکیب‌بندی و موضوعات نقاشی‌ای که در دست داشت، به بن‌بست می‌رسید، در رؤیا به وی الهام می‌شد و صحنه‌ها برایش تداعی می‌گشت و بدین صورت، گشایشی در نقاشی‌هایش ایجاد می‌شد. گویی شمایل حضرت علی علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام را پیشاپیش در خواب و رؤیا دیده بود (بختیاری، مصاحبه: اسفند ۱۳۹۴).

تصویر ۳. آورین شاهنامه فردوسی نزد سلطان محمود غزنوی، اثر حسین دستخوش همدانی، رنگ روغن روی بوم، ۹۰ × ۱۲۰ (مأخذ: مجموعه شخصی جواد عقیلی)



تصویر ۴. زندگانی پرافتخار حضرت علی علیه السلام، رنگ روغن روی بوم، ۱۳۵ × ۱۸۰ (مأخذ: موزه رضا عباسی)



دستخوش به جهت وفاداری علاقه و ارادت خود به استادانش، بعضی از ترکیب‌بندی‌هایش را شبیه آثار مرحوم حسین قوللر آغاسی و مرحوم محمد مدبر ساخته بود؛ اما بیشترین تأثیر دستخوش در نقاشی از سبک کاری مرحوم مدبر بود که در آثار نیز مشهود است. چراکه او در اصل شاگرد مستقیم محمد مدبر بود و سال‌های مدیدی در کنار ایشان قلم زده بود. بنابراین وی در نیمرخ کشیدن و نمایش اندام‌ها و درآیین‌ها مستقیماً وارث مدبر بودند. اما روی هم رفته ایشان در ترکیب‌بندی‌های آثارش، با مطالعه و جستار

و تجربه، به بداهگی و سبکی شخصی در کار خود رسیده بود (سیف، مصاحبه: ۸ تیر ۱۳۹۵). این خلاقیت باعث می‌شد که جذابیت و استحکام کلی در آثار وی به وجود آید (بختیاری، مصاحبه: اسفند ۱۳۹۴). در آثار دستخوش آناتومی و تناسب اندام و استحکام کلی اثر دارای اهمیت است. به گونه‌ای که هادی سیف نقل می‌کند، وی به دلیل تسلط بر طراحی، نقاشی‌هایش را بدون هیچ پیش طرح اولیه‌ای به طور مستقیم بر روی بوم نقاشی طراحی و شروع به کار می‌کرد. در حالی که بعضی از نقاشان این سبک، ابتدا طرح اصلی را بر روی کاغذ پوستی پیاده می‌کردند و سپس پشت کاغذ را رنگ اخرا می‌زدند و در نهایت به این وسیله طراحی تابلو را بر روی بوم انتقال می‌دادند (مصاحبه: ۸ تیر ۱۳۹۵). این تسلط بر ساختار ترکیب بندی، فرم، طراحی و به خدمت گرفتن آنها در ارتباط با اصل واقعه در قالب اثری روایی که از ویژگی‌های سبک نقاشی قهوه‌خانه است در آثار دستخوش به خوبی قابل شناسایی است.

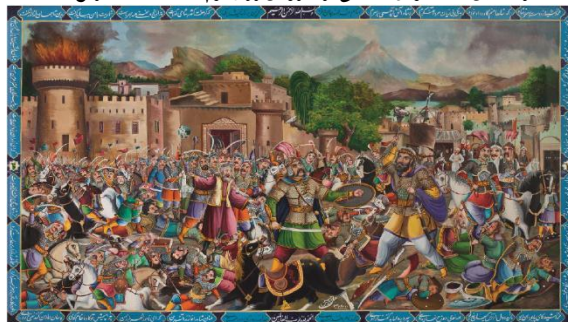
در بیشتر آثار دستخوش تعداد فیگورها زیاد است و این کنترل آناتومی‌هایی که همگی از تنوع حالات و حرکات مختلف برخوردار می‌باشند نیز نشان دهنده تسلط بر طراحی و نسبت‌های عناصر و پیکره‌ها است و نتیجه آن جای‌گیری و هماهنگی مناسب تعداد زیادی پیکره در کادر است. در نقاشی قهوه‌خانه‌ای، پرسپکتیو و عمق‌نمایی بیشتر به صورت حسی و نه علمی به کار برده می‌شوند. به همین جهت اصول عمق‌نمایی کمتر به کار گرفته شده است و سایه‌روشن و بازی نور بر سطوح، به منظور تشدید جسمیت سه بعدی، [در بعضی از آثار] بسیار ضعیف به چشم می‌خورد. (کلانتری، ۱۳۵۳: ۹). هم‌چنین نکته قابل توجه دیگر این‌که، در سبک شناسی نقاشی قهوه‌خانه پرسپکتیو و عمق‌نمایی از نوع مقامی و منتشر است. به گونه‌ای که در ترکیب بندی‌ها، بزرگی و کوچکی آدم‌ها بر اثر دوری و نزدیکی نیست، بلکه بر اثر مقام و منزلت و یا بر اساس اهمیت آنها در داستان و واقعه می‌باشد. از این رو، شخصیت‌های مهم بزرگ‌تر و در نقاط اصلی کادر ترسیم می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۴۰). دستخوش با توجه به این اصل در تابلوهایش، با کوچک و بزرگ کردن شخصیت‌ها در این کثرت فیگورها و اعتبار بخشیدن به منزلت آنها، حرکت‌های ریتمیکی به کمپوزسیون تابلوها بخشیده که توانسته مبانی و اصول تجسمی در هنر را بدون آن‌که به صورت کلاسیک و علمی به آن پرداخته باشد، رعایت کند. به این ترتیب گرچه نقاشان قهوه‌خانه‌ای مقید به رعایت

تناسبات دقیق در آثارشان نبودند، اما دستخوش سعی نموده که تا حدودی در طراحی‌ها به واقع‌گرایی نزدیک باشد. این خود یکی از وجوه افتراق نقاشی‌های وی با بعضی دیگر از آثار این مکتب است.

هادی سیف نویسنده کتاب *نقاشی قهوه‌خانه‌ای* (۱۳۶۹) سه ویژگی دانش کار، داشتن حوصله و توان و سوم تبصره؛ را برای خلق پرده‌های درویشی برمی‌شمارد که حسین دستخوش همدانی از هر سه این ویژگی‌ها برخوردار بوده است. در بعضی از آثار دستخوش مانند پرده‌های درویشی بیش از صد فیگور و پرتره و شمایل در حالت‌های مختلف مشاهده می‌شود که همگی باظرافت تمام نقاشی شده‌اند و نه تنها به معنای توانایی وی در ترسیم صورت‌های متعدد بوده، بلکه حاکی از حوصله و دقت نظر هنرمند به منظور ثبت و ارائه تجربیات جدید و مؤثر در عرصه نقاشی قهوه‌خانه‌ای است. هم‌چنین در تعدادی از این آثار وجود حیواناتی نظیر اسب، شیر، غزال و آهو، مرغ و پرنده و انواع موجودات خیالی مثل فرشته، دیو، پری و اژدها، سیمرغ و... با آناتومی‌های متنوع و متفاوت نیز از امتیازات طراحی قوی و وجه تمایز دستخوش محسوب می‌شود. رنگ در نقاشی قهوه‌خانه‌ای حکایت از تلفیق ذهنیت‌گرایی و واقع‌گرایی نقاشان این مکتب دارد و طوری به کار برده می‌شدند که همپای خود اثر پیامی را به بیننده منتقل کنند. به قول استاد محمد مدیر «رنگ برای نقاشی ما حکم نشانه را دارد. باید آن قدر حساب شده و خوانا آن را کنار بوم به کار ببریم، که هر آدمی چه اهل سواد خواندن و نوشتن و چه بی‌سواد، بتواند تابلو را بخواند و به حرمت و بی‌حرمتی آدم‌ها پی ببرد (کرباسی باف، ۱۳۸۹: ۱۴۰). دستخوش برای خلق آثارش در تابلوها از کمپوزسیون‌های رنگی متفاوتی بهره می‌گیرد. به عنوان مثال، وی در بعضی از آثار مانند وقایع عاشورا و برخی از ترکیب‌های مربوط به زندگانی ائمه بستگی به موضوع و محتوی، برای به وجود آوردن حاکمیت و اتمسفرهای رنگی، از رنگ‌های گرم در کل فضای تابلو استفاده کرده و بقیه‌ی رنگ‌ها را با تم پائین‌تری به کار برده است. اما در بعضی از تابلوها هم چون موضوعاتی مثل جشن‌ها، عروسی‌ها و تاج‌گذاری‌ها، به جهت موضوع کار، از رنگ‌های شاد بهره جسته و فضای بسیار رنگینی را برای اثر در نظر گرفته است. گرچه در بعضی از ترکیبات، نقاش از رنگ‌های تند نیز استفاده کرده اما گردش آنها با خاکستری‌های رنگی طوری انتخاب شده که ترکیب‌بندی و ساختار کل تابلو حفظ شود و ناهماهنگی و عدم تعادل در آثار دیده نشود.

این حاکمیت‌های رنگی منطبق بر موضوع و محتوای تابلو، نشان از مهارت نقاش در شناخت رنگ‌ها و توجه به وجوه زیبایی شناختی دارد و باعث گردیده ترکیب‌های رنگی از ویژگی‌های خاصی برخوردار شوند. به گونه‌ای که هر مخاطبی با کمی دقت می‌تواند موضوع کارها را تشخیص داده و به توانمندی نقاش در بیان آن‌ها پی ببرد. علاوه بر این عدم استفاده دستخوش از رنگ‌های خام مانند قرمز، آبی و زرد، نیز زمینه نزدیک شدن آثارش را به تابلوهای کلاسیک فراهم نموده است. چنان‌که در آثار متأخر خود تلاش می‌کند که در اندازه یک نقاش پیشکسوت متفاوت با دیگران ظاهر شود (تصویر ۵).

تصویر ۵. حماسه شاهنامه، اثر حسین دستخوش همدانی، رنگ‌روغن روی بوم، ۱۷۰×۲۸۰، به تاریخ ۱۳۷۹ (مأخذ: بنیاد ایران‌شناسی)



در رنگ‌آمیزی برخی از تابلوها، به وجه نمادین رنگ‌ها توجه شده است. به عنوان نمونه در صحنه‌هایی که اشقیاء حضور داشتند آنها را با رنگ‌های تند و قرمز و خشن و یا آکرو قهوه‌ای نشان داده و پیکره‌های انبیاء را با رنگ‌های آرام و ملایم و رنگ‌های سفید و سبزه‌های چشم‌نواز ترسیم نموده است. در پرداخت، ساخت و سازها و جزئیات و سایه-روشن‌ها نیز لطافت عناصر نقاشی‌ها چند برابر جلوه‌گری می‌نماید. حتی در بعضی از تابلوها دور تا دور کادر از ورق طلا برای تزئینات استفاده شده است. در آثار مربوط به نقاشی گل و مرغ نیز، نقاش به خوبی از عهده این کار برآمده است. هم‌چنین در عناصری دیگر که نیازمند ایجاد بافت بوده است، توانایی خود را اجرای آن به خوبی نشان داده است. گرچه نقاشی‌های دستخوش بیانگر سبک سنتی نقاشی قهوه‌خانه‌ای است، اما تأثیراتی را نیز از نقاشی غربی پذیرفته و در آثار خویش کاملاً مستحیل نموده است. به عنوان مثال، میل به طبیعت‌سازی در آثار و نمایش سایه‌روشن‌کاری و حجم‌پردازی و پرداخت چهره‌ها، هم‌چنین استفاده از پرسپکتیو و رعایت دوری و نزدیکی که کاملاً مغایر با ویژگی‌ها و قراردادهای نقاشی قهوه‌خانه‌ای است، باعث زیباتر جلوه دادن آثار

خویش در این سبک شده است؛ و به نوعی آثار وی ویژگی های کاملاً شخصی به خود گرفته است.

یکی دیگر از مواردی که بر آثار و تکنیک های کاری دستخوش در نقاشی هایش تأثیر می گذارد، دوستی و همکاری وی با مرحوم یحیی نصیری^۱ بود. منزل دستخوش مکانی برای ارتباط و تبادل نظر با دوستان نقاش می شود. در مدتی که این اساتید کنار یکدیگر کار می کردند، تکنیک و سبک نقاشی و برخی عناصر آثار دوستان وی بر نقاشی های او نیز تأثیر می گذارد (سیف، مصاحبه: ۸ تیر ۱۳۹۵). برای نمونه به تجربه فضای رنگی و تکنیک های شمایل سازی می توان اشاره کرد. به این ترتیب تجربه وی کامل تر و رنگ در کارهای وی پخته تر می شود و تکنیک هایی را از دوستان خود آموخته و آنها را در خدمت نقاشی قهوه خانه ای به کار می گیرد (تصویر ۱ جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳) تأثیرات تکنیکی سایر نقاشان قهوه خانه بر آثار حسین دستخوش همدانی

تأثیرات	شمایل حضرت علی <small>علیه السلام</small> ، حسین دستخوش همدانی، رنگ روغن روی بوم ۷۰×۵۰، منزل محمد دستخوش. ۱۳۷۰.	مشخصات اثر: به فرات رفتن، یحیی نصیری، ۷۰×۱۰۰، مجموعه شخصی نصراله بختیاری.	۱
طراحی کلاسیک، رنگ های پخته، ضربه قلم های آزاد و با جسارت و فضا سازی رئالیستی در آثار یحیی نصیری، استفاده از خاکستری های رنگی، بعد نمایی و حاکمیت های رنگی، متأثر از قواعد کلاسیک.			
	بازی چوگان ۱۰۰×۷۰، حسین دستخوش همدانی، منزل دختر دستخوش. سال ۱۳۷۲.	مشخصات: مصیبت کربلا، محمد مدبر، ۱۳۴۰؟ مجموعه موزه رضا عباسی.	۲

۱. وی متولد شهر زنجان و از نقاشان و دوستان نزدیک استاد دستخوش بود که به سبک نقاشی کلاسیک و نقاشان روسی کار می کرد و پرتره سازی و فیگوراتیو را بسیار حرفه ای انجام می داد و آثار گرانبها و ماندگاری را خلق کرد و در نهایت در فقر و غربت در زادگاهش از دنیا رفت.

<p>در آثاری از این دست محمد مدبر، حرکت های ریتمیک و پرتحرکی در عناصر دیده می شود. هم چنین طراحی های وی به واقع نمایی نزدیک است. این نوع از ویژگی ها و تأثیرات آثار مدبر باعث می شود که دستخوش در آثارش نوعی اکسپرسیون و هیجان نمایی در عناصر ایجاد کند. هم چنین در طراحی پرتره ها نیز ویژگی پرتره های مدبر مشاهده می شود.</p>			
	<p>یتیم نوازی حضرت علی <small>علیه السلام</small>، ۷۰ × ۵۰، سال ۱۳۷۷، بنیاد ایران شناسی.</p>	<p>منظره دختر کرد ۶۰ × ۹۰، مجموعه شخصی توران دستخوش. سال ۱۳۶۹.</p>	<p>۳</p>
<p>نگاه طبیعت گرایانه در ساخت و ساز عناصر طبیعی در نتیجه کپی از آثار کلاسیک و بازتاب تکنیکی این تجربه های شخصی در آثار نقاشی قهوه خانه ای نمود پیدا کرد.</p>			

منبع: نگارندگان

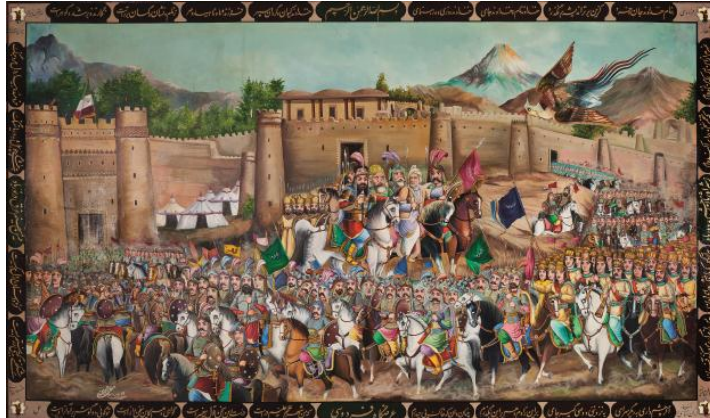
باید اشاره کرد که تمامی نقاشان قهوه خانه ای برای چهره های قهرمانان داستان ها یا شمایل انبیاء و اشقیاء یک قاعده کلی را رعایت می کردند. ایجاد پوست های روشن و مهتاب گون برای چهره به همراه چشمان، ابروان و محاسن تیره رنگ بدون تعمد در نمایش حُسن ظاهری، وجود نوعی قلم گیری در اطراف چهره و پیکره و در عین حال حجم پردازی کلی و ساده در اندام و چهره و استفاده از هاله های منتشر شده از ویژگی های این نوع نقاشی است (افشاری، ۱۳۸۶: ۴۰). حسین دستخوش با تسلط تمام این قاعده مندی را در شمایل ها نشان داده است. قهرمانان داستان های تصویری اش، چهره های باصلابتی هستند که حقانیت پیروزی آنها در چهره های شان نمایان است. شمایل انبیاء با هاله های درخشان و ماه گون که لطافت صورت و درخشش عشق نشان از دل بستگی و دلدادگی آنان به حقیقت را می نماید و با ترسیم آرامش در چهره آنها، صمیمیت و آرمان های متعالی را در جان آنها جاری کرده است. به همین شکل در مواجهه با شمایل

اشقیاء نیز هنرمند تلاش نموده، صفات ذاتی آنها را که قساوت، شقاوت و کینه‌توزی با انبیاء است، در چهره‌های شان نمایان سازد. در رنگ آمیزی چهره‌ها، رنگ چهره اشقیاء چرک و رنگ چهره انبیاء روشن و مهتاب‌گونه است. اما در چهره‌پردازی شخصیت‌های شاهنامه و حکایت‌های حماسی، کاملاً روحیات قهرمانان و ضدقهرمانان داستان را در شمایل‌ها نشان داده است. حالات خاص چهره‌ها در این حکایت‌ها (داستان‌های حماسی) بیشتر وفادار به مضامین توصیفی خود شاهنامه است.

یکی دیگر از وجوه زیبایی شناختی آثار حسین دستخوش در راستای شیوه کار و بیانیه هنرمندان مکتب نقاشی قهوه‌خانه‌ای است. این هنرمندان با در نظر گرفتن اصل زیبایی در خلق آثار، بر پرهیز از خون و خونریزی و وارد نمودن اغراض و احساسات شخصی در پرداخت چهره‌ها سوگند خورده بودند. بنابراین در آثار دستخوش نیز اگرچه در فضای بعضی از پرده‌ها صحنه نبرد و جنگ را مشاهده می‌شود، اما در کل اثر و بر روی پیکره‌ها و حتی در چهره اشقیاء، نوعی شفافیت و پاکیزگی حاکم است. هم‌چنین توجه به معماری و تزئینات آن از ویژگی‌های دیگر آثار نقاشان قهوه‌خانه‌ای است که دستخوش نیز به خوبی بر آن تسلط داشته و در نقاشی‌هایش به آن پرداخته است. او سعی کرده از معماری و تزئینات آن به عنوان بخش جزئی استحکام ساختار تابلو استفاده کند. گاه در فضای داخلی معماری که شمایل‌ها در آن حضور دارند، تزئیناتی را نیز برای تحلیل فضای معماری و ارتباط فضای داخل با بیرون به کار برده است. هم‌چنین ارتباط فضای داخل با بیرون توسط عناصری از طبیعت زنده شامل درخت، کوه، چشمه، آبگیر، سنگ، صخره، آسمان، ابرو هر آنچه که در فضای طبیعت متصور می‌شود با تسلط بر پرسپکتیو رنگی، تنالیت و پاساژهای رنگی برقرار شده است؛ که در این حالت تابلوها دارای چند پلان جداگانه‌ای از همدیگر نشان داده می‌شود. البته باید توجه داشت که نقاشان قهوه‌خانه‌ای در بند اصول پرسپکتیو نیستند به همین جهت قاعده پرسپکتیو مخصوصاً در آثار پرده‌های درویشی کمی متفاوت است. «در آثار قهوه‌خانه‌ای پرسپکتیو و بعد‌نمایی بیشتر بر اساس دریافت حسی، نه زیرپایه قواعد علمی، به کار گرفته شده است. در این آثار سایه روشن شکل خاصی ندارد. نوری که بر آدم‌ها و اشیاء می‌تابد پیدا نیست از کدام سمت است. نقاشی قهوه‌خانه‌ای خیالی و رها از قید و بند تناسبات واقعی است. خیالی بودن این نقاشی‌ها امکان درهم ریختن قواعد طبیعی را برای بیان آنچه مورد نظر

هنرمند است ایجاد می‌کند» (گودرزی، ۱۳۸۰: ۴۹). بر این اساس در نقاشی‌های معروف به پرده درویشی تمرکز و تلاش نقاشان بر پرهیز از پرداختن به پرسپکتیو است. هنرمندان قاعده‌ای خاص را برای این دسته از آثار در نظر داشته‌اند. به گونه‌ای که هر پرده درویشی یک چشم دارد که به آن چشم پرده می‌گویند و معمولاً این جا محل قرارگیری قهرمانان اصلی روایت است. به عنوان مثال در تابلوی جنگ خیبر (تصویر ۲ جدول شماره ۲)، حضرت علی علیه السلام در قلب تابلو درشت می‌شود و با شمایل زیبا ترسیم شده و مرکز توجه اثر بوده و نگاه‌ها به او خیره می‌شود.

از دیگر وجوه تمایز آثار دستخوش با دیگران در این است که وی بین خیالی سازی و واقعیت سازی تعادل ایجاد کرده است. کارهایی که معمولاً میان بعضی از نقاشان غلط سازی می‌شد، دستخوش از این نوع رویکرد پرهیز می‌کرد. چنان‌که هادی سیف (۱۳۹۵) معتقد است یکی از دلایل آن این بود که وی شاگرد محمد مدبر بوده است و مدبر هم خیلی زیر بار خیالی سازی محض نرفته است. دستخوش خود در این باره چنین گفته است که «ما را به عدول از سبک قهوه‌خانه‌ای و پیروی از نقاشی کلاسیک متهم می‌کنند. از این روی را از جمله یاران عهدشکن در خیالی سازی محض می‌دانند. در بررسی آثار هنرمند دلیل دوم در انتخاب این رویکرد، اعتقاد دستخوش بر این اصل است که این پرده‌ها به میزانی که به واقعیت نزدیک تر باشند در نزد مخاطب عام و مردم عادی پذیرفته تر است. مسئله‌ای که کمتر در برخورد خیالی محض وجود دارد؛ بنابراین این نوع نگاه حاکی از توجه هنرمند به نوعی مخاطب محوری برای درک بیشتر مفاهیم موجود و رابطه نزدیک تر با آثار است.



تصویر ۶. عرض گاه فردوسی، اثر حسین دستخوش همدانی، رنگ روغن روی بوم، ۲۸۰ × ۱۷۰، به تاریخ ۱۳۷۷ (مأخذ: بنیاد ایران شناسی)

از دیگر نکات قابل ذکر درباره این هنرمند درک صحیح وی از مفاهیم و موضوعات آثار است. وی با وجود نداشتن تحصیلات، اما با شیوه‌ای خاص بر آنها اشراف یافته است. به گونه‌ای که به روایت‌های قرآنی، مذهبی، داستان‌های عاشورا، شاهنامه و روایت‌های داستانی آن اشراف کامل داشتند. به عنوان مثال در آثاری با موضوعات رزمی، درک صحیح و عمیق وی از شخصیت‌ها، داستان، ماجراها و عناصر شاهنامه کاملاً مشهود است. چنان‌که در داستان‌های بزمی، صحنه‌ها بسیار با جزئیات کار شده است و حتی برای نام‌گذاری آثار نیز کاملاً به موضوع و قواعد این سبک وفادار بوده‌اند. باید افزود که در نقاشی قهوه‌خانه‌ای، هنرمند برای نام‌گذاری آثاری که براساس داستان‌های نام‌آشنا مثل واقعه ظهر عاشورا و یا جنگ رستم و سهراب و خلق شده‌اند، با محدودیت روبرو بوده و نام اثر را از همان شاهنامه و قرآن اقتباس می‌کند (میرمصطفی، ۱۳۸۷). این امانتداری ارزشمند در پیاده کردن روایت‌ها و حکایت‌ها که از ویژگی‌های این هنرمند است علاوه بر استعداد شگرف وی در نقاشی، مرهون همسر صاحب سواد ایشان به نام حاجیه زهرا است که در موفقیت دستخوش نقشی انکارناپذیر داشته است. همسر دستخوش علاوه بر بیان روایات مذهبی مستخرج از کتاب‌ها، شاهنامه فردوسی و کتاب‌های ادبی را برای او می‌خواند و هنرمند را به‌طور مستقیم با منابع اصلی آثار خویش آشنا می‌ساخت.

جدول شماره (۴): بررسی مبانی بصری یک اثر از حسین دستخوش همدانی

مشخصات اثر: پرده درویشی، ۱۷۶ × ۲۵۰ (منبع آرشید جواد عقیلی، ۱۳۴۹)

	<p>توجه به آناتومی‌ها و نسبت‌هایی که به واقعیت عینی نزدیک‌تر است، برخلاف آثار خیالی سازان محض که بیشتر به دنبال روایت، معناگرایی و مفهوم اثر بودند. تلاش در جهت ایجاد تعادل میان خیالی‌سازی و واقعیت‌سازی با پرهیز از غلط‌سازی میان بعضی از نقاشان قهوه‌خانه.</p>	<p>ویژگی طراحی</p>	<p>۱</p>
	<p>اولویت قرار دادن شخصیت‌های اصلی داستان در مرکز تابلو و طراحی سایر عناصر شخصیت‌های روایت در اطراف شخصیت‌های اصلی و در اندازه‌ای کوچک‌تر</p>	<p>پرسپکتیو مقامی</p>	<p>۲</p>
	<p>توجه به ساختار و ایجاد حرکت در اثر با چند عنصر گزینشی و ایجاد ریتم‌های هماهنگ در کل اثر به وسیله این حرکات این ساختار ملهم از نگارگری ایرانی اسلامی، در نهایت به حرکت حلزونی منجر شده و این ترکیب بندی، ضمن حرکت چشم در کل تابلو و بازگرداندن و گردش روی تابلو، باعث نشان دادن صحنه‌های کوچک‌تر در کل مجموعه می‌شود.</p>	<p>ساختار ترکیب بندی</p>	<p>۳</p>
	<p>فضای رنگ همراه با تنالیت‌های بسیار لطیف رنگی حاکی از شناخت درست از میانی رنگ است. انتخاب حاکمیت رنگی برای اثر باعث پختگی و حرفه‌ای و کنترل رنگ‌های مختلف در اثر می‌شود. در اینجا سبز زردهای خاکستری و اکر قهوه‌ای‌ها در کل اثر حاکمیت کار را تحت تأثیر خود قرار داده و باعث پیوستگی و یکپارچگی کل ترکیب بندی عناصر و رنگ‌های مختلف شده است.</p>	<p>نور و رنگ</p>	<p>۴</p>
	<p>با توجه به حماسی بودن موضوع تابلو، به پراکندگی تیرگی و روشنی، بیان ریتمیک در کل اثر به خوبی توجه شده است. این مسئله باعث هیجان بیشتر در اثر گردیده است.</p>	<p>ساختار ترکیب بندی</p>	<p>۵</p>

منبع: نگارندگان

استاد حسین دستخوش همدانی در طول زندگی پربار هنری اش، آثار ارزشمند زیادی از خود برجای گذاشته که مهم‌ترین آنها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد. زندگانی پرافتخار حضرت علی علیه السلام، امام علی علیه السلام و حسنین و سلمان فارسی، حماسه شاهنامه فردوسی، یتیم‌نوازی حضرت علی علیه السلام، آوردن شاهنامه فردوسی نزد سلطان محمود غزنوی، و... این آثار امروزه به صورت پراکنده در موزه‌های مختلفی چون موزه معاصر، رضا عباسی، نیاوران، بنیاد ایران‌شناسی نگهداری می‌شود و تعدادی دیگر نیز در کلکسیون

مجموعه دارهای خصوصی و نزدیکانش جای گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

با بررسی حوزه‌های فعالیت و آثار هنری حسین دستخوش همدانی و در پاسخ به پرسش‌های، پژوهش می‌توان اذعان داشت که در دسته‌بندی آثار این هنرمند، بیشترین موضوعات کارشده، موضوعات رزمی بوده که داستان‌های شاهنامه را در برمی‌گیرد. پس از آن به ترتیب، موضوعات مذهبی، روایت عاشورا و زندگی ائمه، موضوعات مجالس بزم، منظره و گل و بوته‌های بسیار ظریف بیشترین توجه را در نقاشی‌ها به خود معطوف کرده است.

هم‌چنین این هنرمند در نقاشی پرده‌های درویشی دارای تسلطی خاص بوده که آثار وی را از دیگران متمایز می‌سازد. او مدتی نیز در زمینه اجرای نقاشی‌های بند اسلیمی طلایی و تزئینات گل و مرغ بر روی میز، صندلی و مبل فعالیت داشته که در این شیوه نیز از تخصص ویژه‌ای برخوردار شده بود. نقاشی‌های کپی از نقاشان ایرانی و اروپایی، نشان می‌دهد که دستخوش توانایی نقاشی کلاسیک هم داشته است. او تلاش می‌کند خود این شیوه را آموخته و از تجربیات آن در نقاشی قهوه‌خانه‌ای بهره‌گیرد.

دستخوش به جهت وفاداری علاقه و ارادت خود به استادانش، بعضی از ترکیب‌بندی‌هایش را شبیه آثار مرحوم حسین قوللر آغاسی و مرحوم محمد مدبر ساخته بود. اما در آثارش بیشترین تأثیر دستخوش از سبک کاری استادش مرحوم مدبر مشاهده می‌شود. چنان‌که می‌توان گفت وی در نیم‌رخ کشیدن و نمایش اندام‌ها و درآدین‌ها مستقیماً وارث مدبر است. در آثار دستخوش آناتومی و تناسب اندام و استحکام کلی اثر دارای اهمیت است. تسلط بر ساختار ترکیب‌بندی، فرم، طراحی و به خدمت گرفتن آنها در ارتباط با اصل واقعه در قالب اثری روایی که از ویژگی‌های سبک نقاشی قهوه‌خانه است در آثار وی به خوبی قابل‌شناسایی است. هم‌چنین، در بیشتر کارهای دستخوش تعداد فیگورها زیاد است ولی جای‌گیری و هماهنگی مناسب پیکره‌ها در کادر به خوبی انجام شده است. دستخوش در تابلوهایش، با کوچک و بزرگ کردن شخصیت‌ها در این کثرت فیگورها و اعتبار بخشیدن به منزلت آن‌ها، حرکت‌های ریتمیکی به کمپوزیسیون تابلوها بخشیده که توانسته مبانی و اصول تجسمی در هنر را بدون آن‌که به صورت کلاسیک و

علمی به آن پرداخته باشد، رعایت کند. او سعی نموده که تا حدودی در طراحی‌ها به واقع‌گرایی نزدیک باشد که این خود یکی از وجوه افتراق نقاشی‌های وی با بعضی دیگر از آثار این مکتب است.

سه ویژگی مهم دانش کار و داشتن حوصله، توان و تبحر؛ برای خلق پرده‌های درویشی برشمرده شده است که در بعضی از آثار دستخوش مانند پرده‌های درویشی که بیش از صد فیگور و پرتره و شمایل در حالت‌های مختلف مشاهده می‌شود و گویای برخورداری وی از ویژگی‌های دانش‌کار، حوصله و توان و تبحر می‌باشد. هم‌چنین در تعدادی از این آثار وجود حیواناتی نظیر اسب، شیر، غزال و آهو، مرغ و پرنده و انواع موجودات خیالی مثل فرشته، دیو، پری و اژدها، سیمرغ و... با آناتومی‌های متنوع و متفاوت نیز از امتیازات طراحی قوی و وجه تمایز دستخوش محسوب می‌شود. دستخوش برای خلق آثارش در تابلوها از کمپوزسیون‌های رنگی متفاوت بهره گرفته و در رنگ‌آمیزی برخی از تابلوها، به وجه نمادین رنگ‌ها توجه شده است. گرچه نقاشی‌های دستخوش بیانگر سبک سنتی نقاشی قهوه‌خانه‌ای است، اما در مواردی هم چون میل به طبیعت‌سازی، نمایش سایه-روشن‌کاری و حجم‌پردازی، پرداخت چهره‌ها و استفاده از پرسپکتیو و رعایت دوری و نزدیکی تأثیراتی را نیز از نقاشی غربی پذیرفته و در آثار خویش کاملاً مستحیل نموده و باعث زیباتر جلوه دادن آثار خویش در این سبک شده است. علاوه بر این تکنیک و سبک نقاشی و برخی عناصر آثار دوستان وی مانند تجربه فضای رنگی و تکنیک‌های شمایل‌سازی بر نقاشی‌های او نیز تأثیر گذاشته است. درباره وجوه زیبایی‌شناختی آثار می‌توان گفت، در آثار وی قهرمانان داستان‌های تصویری، چهره‌های باصلابتی هستند که حقانیت پیروزی آنها در چهره‌های شان نمایان است. شمایل انبیاء با هاله‌های درخشان و ماه‌گون که لطافت صورت و درخشش عشق نشان از دل‌بستگی و دلدادگی آنان به حقیقت را می‌نماید. در مواجهه با شمایل اشقیاء نیز هنرمند تلاش نموده، صفات ذاتی آنها را که قساوت، شقاوت و کینه‌توزی با انبیاء است، در چهره‌های شان نمایان سازد. حالات خاص چهره‌ها بیشتر وفادار به مضامین توصیفی خود شاهنامه است.

یکی دیگر از وجوه زیبایی‌شناختی آثار حسین دستخوش در راستای شیوه کار و بیانیه هنرمندان مکتب نقاشی قهوه‌خانه‌ای با در نظر گرفتن اصل زیبایی در خلق آثار، برپرهیز از خون و خونریزی و وارد نمودن اغراض و احساسات شخصی در پرداخت چهره‌ها

می باشد. هم چنین توجه به معماری و تزیینات آن به عنوان بخش جزمی استحکام ساختار تابلو از ویژگی های دیگر دستخوش است. ارتباط فضای داخل با بیرون توسط عناصری از طبیعت زنده شامل درخت، کوه، چشمه، آبگیر، سنگ، صخره، آسمان، ابرو هر آنچه که در فضای طبیعت متصور می شود با تسلط به پرسپکتیورنگی، تنالیت و پاساژهای رنگی برقرار شده است که در این حالت تابلوها دارای چند پلان جداگانه ای از همدیگر نشان داده می شود.

از دیگر وجوه تمایز آثار دستخوش با دیگران در این است که وی بین خیالی سازی و واقعیت سازی تعادل ایجاد کرده است. کارهایی که معمولاً میان بعضی از نقاشان غلط سازی می شد، دستخوش از این نوع رویکرد پرهیز کرده است. هم چنین در این راستا دستخوش بر این اصل اعتقاد داشته که این پرده ها به میزانی که به واقعیت نزدیک تر باشند در نزد مخاطب عام و مردم عادی پذیرفته تر است. مسئله ای که کمتر در برخورد خیالی محض وجود دارد. بنابراین این نوع نگاه حاکی از توجه هنرمند به نوعی مخاطب محوری برای درک بیشتر مفاهیم موجود و رابطه نزدیک تر با آثار است.

منابع

۱. افشاری، مرتضی (۱۳۸۶)، «خیالی نگاری پایه‌گذار شمایل نگاری به مفهوم امروزی»، کتاب ماه هنر، ش ۱۰۷ و ۱۰۸.
۲. بلوک باشی، علی (۱۳۸۰)، «شمایل نگاری در حوزه هنرهای عامه ایران»، کتاب ماه هنر، ش ۳۱ و ۳۲.
۳. پاکباز، روئین (۱۳۸۳)، نقاشی ایران از دیروز تا امروز، تهران، سیمین وزین.
۴. حسین آبادی، مرضیه، محمدپور، زهرا (۱۳۹۵)، «بررسی نمادهای تصویری هنر شیعی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای»، پیکره، شماره ۹.
۵. حسینی، مهدی (۱۳۸۱)، «مفهوم فضا در نقاشی‌های عامیانه مذهبی»، فصل‌نامه هنر، ش ۵۴.
۶. خان سالار، زهرا (۱۳۸۶)، «تصویرگری در هنر عامیانه»، مجله فرهنگ و مردم، ش ۲۱ و ۲۲.
۷. خیری، مریم (۱۳۸۶)، «بررسی نوشتار در نقاشی قهوه‌خانه»، آینه خیال، شماره ۱۰.
۸. رجبی، محمدعلی؛ چلیپا، کاظم (۱۳۸۵)، حسن اسماعیل زاده نقاش مکتب قهوه‌خانه-ای، تهران، نشر نظر.
۹. سیف، هادی (۱۳۸۷)، «ویاد یاران»، آینه خیال، شماره ۱۰.
۱۰. سیف، هادی (۱۳۸۹)، «نقاشی قهوه‌خانه هویتی به مرور پایمال شده»، نشریه تندیس، شماره ۱۰.
۱۱. سیف، هادی (۱۳۶۹)، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۲. کرباسی باف، مهدی (۱۳۸۹)، «نقاشی قهوه‌خانه درگذر تاریخ»، نشریه علوم انسانی پویا، ش ۱۹.
۱۳. کلانتری، منوچهر (۱۳۵۳)، «رزم و بزم شاهنامه در پرده‌های بازاری قهوه‌خانه‌ای»، هنر و مردم، ش ۲.
۱۴. گودرزی، مرتضی (۱۳۸۰)، جست‌وجوی هویت در نقاشی معاصر ایران، تهران، علمی فرهنگی.
۱۵. موسوی گیلانی، سیدرضی؛ موسوی، سیدجعفر (۱۳۹۳)، «سبک زندگی مهدوی در تجربه هنری هنرمند»، فصل‌نامه مشرق موعود، ش ۳۱.

۱۶. مهاجر، مصطفی (۱۳۷۸)، «حدیث ساده نقاشی و نقاشی قهوه‌خانه‌ای مردان خیالی نگار»، هنرهای تجسمی، ش ۵.
۱۷. میرمصطفی، حسین (۱۳۸۷)، نقاشی در قهوه‌خانه، تهران، سیمای کوثر.
۱۸. ناصر بخت، محمد حسین (۱۳۷۷)، «پرده‌های درویشی هنر پرده‌خوانی و نقاشی پرده‌های درویشی»، هنرهای تجسمی، ش ۱۰۱.
۱۹. نیک نفس، شفیقه (۱۳۷۲)، مصاحبه با آقای حسین دستخوش همدانی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، گروه تاریخ شفاهی.
۲۰. واعظ کاشفی سبزواری، مولانا حسین (۱۳۵۰)، فتوت‌نامه سلطانی. ترجمه: محمدجعفر محجوب، تهران، بنیاد فرهنگی ایران.
21. Afshari, Morteza. 2007. "The Imagination of the Founder of Iconography in the Contemporary Context". The book of art moon. 107 and 108
22. Blookbashi, Ali. 2001. "Iconography in the field of public art in Iran". The book of art moon. 31 and 32
23. Good, Mary. 2007. "Reviewing the Writing in the Coffee house Painting". The mirror of imagination 10
24. Goodarzi, Morteza. 2001. *Searching for Identity in Contemporary Iranian Painting*. Tehran: Cultural science
25. Hosseini, Mehdi. 2002. "The concept of space in religious folk paintings", Quarterly of Art, Vol. 54
26. Husseinabadi, Zahra, Mohammadpour, Marziyeh. 2016. "Examination of Visual Shia Symbols in the Iranian Teahouse Paintings". Prykareh Journal. Vol 5. 9
27. Kalantari, Manuchehr. 1974. "The Shahnameh's Battle in the bazar curtains of Coffee house". Arts and the People, 2
28. Karbasi Baf, Mehdi. 1389. "Painting of coffee house in the passing of history". Pouya Human Sciences, Vol. 19
29. Khan Salar, Zahra. 2007. "Illustration in Folk Art". Journal of Culture and People, 21 and 22
30. Mir Mostafa, Hossein. 2008. *Painting in the coffee house*. Tehran: Simaye Kosar
31. Mohajer, Mostafa. 1999. "Simple Hadith Painting and Painting of a Coffeehouse of imaginative Men" Visual Arts, Vol. 5
32. Mousavi Gylany, Seyed Razi, Mousavi, Seyed Jafar. 2014. "(Mahdism-influenced) Lifestyle in the Artistic Experience of the Artist". Mashreq Mo'ood. Vol 8. 31
33. Nasser Bakht, Mohammad Hossein. 1999. "The Dervish Curtain of the Art of Curtain-reading and Painting of Dervish Curtains". Visual Arts. Vol. 35
34. Niknafis Shafiqe, Interview with Hossein Dastkhosh Hamedani,

- October 1993, National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran, oral history group
35. Paakbaz, Roein. 2004. *Iranian Painting from Yesterday to Today*. Tehran: Simin and Zarrin
 36. Rajabi, Mohammad Ali and Chilipa, Kazem. 2006. *Hassan Ismaelzadeh, painter of the coffee house school*. Tehran: Nazar Publication
 37. Saif, Hadi. "Coffee house painting, an overlaid identity". *Tandis journal*. Vol 10
 38. Saif, Hadi. 1990. *Coffee house Painting*. Tehran: Cultural Heritage Organization
 39. Saif, Hadi. 2008. *Remembrance of Fellows*. *Khial journal*. Vol. 10
 40. Vaez Kashefi Sabzevari, Maulana Hossein. 1972. *Soltani Glosbe Letter. Mohammad Jafar Mahjoub*. Tehran: Iran Cultural Foundation